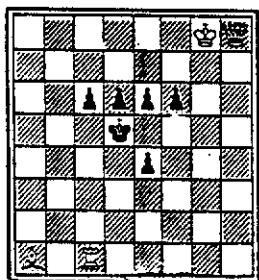


مبانی فقهی بازی با شطرنج از نگاه آیه الله



سیداحمد خوانساری

محمد رحمانی



فقه و حقوق

سال ۵ / شماره ۱۷ و ۱۸

۳۱۰

پیشگفتار

بی گمان بازی بدون برد و باخت با شطرنج از جمله موضوعات و مباحث مورد ابتلا است که بایستی کند و کاوی عمیق با توجه به جوانب گوناگون می باشد.

تحقیق درباره شطرنج از آن رو که بیش از گذشته مورد ابتلای جامعه و حکومت واقع شود و از سوی دیگر پرسشهای فقهی فراوان نسبت به آن مطرح است از اهمیت دو چندانی برخوردار می باشد. از جمله پرسشهای فقهی عبارتند از:

۱. آیا شطرنج همانند گذشته ابزاری ویژه قمار است و یا این که تغییر کاربردی و موضوعی در آن حاصل شده است؟

۲. معیار در وسایل ویژه قمار چیست و تشخیص آن با چه کسانی است؟ مجتهد، مکلف و یا متخصصین فن؟

۳. بر فرض تغییر کاربرد شطرنج آیا حکم فقهی بازی با آن تغییر می کند یا نه؟

۴. آیا طرح حرمت بازی با شطرنج در شمار مکاسب محرّمه از سوی فقهای صدر اوّل می تواند قرینه ای باشد بر این که اگر در بازی برد و باخت و کسب نباشد حرام نیز نخواهد بود؟

۵. آیا در مفهوم قمار برد و باخت اخذ می شود و یا این که هر گونه بازی هر چند بدون برد و باخت قمار به شمار می آید؟

۶. آیا بازی با شطرنج - با فرض این که امروزه از وسایل ویژه قمار به شمار نمی آید و قمار نیز صدق نمی کند - ویژگی خاصی دارد یا نه؟

۷. مبانی فقهی کسانی که بازی بدون برد و باخت با شطرنج را حرام می دانند از نظر آثار و توسعه و ضیق یکسان است یا نه؟

۸. اشکال فقیهانی همانند حضرت امام خمینی و حضرت آیه الله سید احمد خوانساری در حرمت بازی با شطرنج بر چه اساسی و مبنایی است؟ آیا این مبانی یکسانند یا نه؟

۹. آیا زمان و مکان در حکم بازی با شطرنج و یا در متعلق آن اثر دارد یا نه؟ اگر اثر دارد تأثیر آن در چه حدی است؟

آنچه گذشت برخی از پرسشهای مطرح در ارتباط با بازی شطرنج بدون برد و باخت است. این نوشته در پی آن است تا بحث را از نگاه حضرت آیه الله سید احمد خوانساری مورد بررسی قرار دهد.

پیش از آغاز بحث یادآوری چند نکته سودمند خواهد بود:

۱. حضرت آیه الله خوانساری بحث را تحت عنوان بازی بدون برد و باخت با ابزار قمار مطرح کرده اند و از خصوص بازی بدون برد و باخت با شطرنج بحث جداگانه ای نکرده اند؛ لیکن یکی از مصادیق کامل بحث ایشان شطرنج است به ویژه این که در بیشتر ادله مورد نقد و بررسی ایشان از عنوان شطرنج نام برده شده است.

۲. آنچه در این نوشته به آیه الله خوانساری نسبت داده می شود خدشه در ادله حرمت بازی با وسایل مخصوص قمار از جمله شطرنج است؛ اما فتوای ایشان به دست نیامد؛



زیرا این مسأله در توضیح المسائل وی مطرح نشده. ممکن است فتوای ایشان احتیاط باشد؛ هر چند مقتضای بحث علمی او فتوا به جواز است.

۳. اگر چه مقتضای بحث علمی جواز بازی بدون برد و باخت با شطرنج است لیکن احتیاط همیشه شایسته و مطلوب شارع بوده است. چه بسا منشأ فتوا به عدم حلیت توسط برخی از فقها احتیاط باشد.

۴. از جمله مطالب سودمند در بحث شطرنج موضوع شناسی است. در فرصت دیگری باید این بحث دنبال شود که آیا شطرنج در زمان حاضر وسیله قمار به شمار می رود و یا تغییر کاربردی پیدا کرده است.

مبانی فقهی حکم بازی با شطرنج

در زمینه حلال یا حرام بودن بازی با شطرنج در فقه مبانی مختلفی ابراز شده که هر یک از این مبانی، آثار و نتایج ویژه در پی دارد. از این رو آشنایی - هر چند اجمالی - با این مبانی از اهمیت زیادی برخوردار است و نقش به سزایی در مباحث بعدی به دنبال دارد. اگر چه فقها در فصل جداگانه ای از این مبانی بحث نکرده اند؛ لیکن از لابه لای کلمات آنها دو مبنا به چشم می خورد:

الف- مبانی حرمت بازی با شطرنج

با کنکاش در عبارات فقیهانی که فتوا به حرمت بازی با شطرنج داده اند سه مبنا به دست می آید:

۱. از آن جهت که شطرنج از وسایل ویژه قمار است و ادله ای که از بازی با وسایل ویژه قمار نهی می کنند اطلاق دارند، بازی با شطرنج را فرا می گیرند؛ چه در آن برد و باخت باشد و یا نباشد و چه بازی با آن مصداق مفهوم قمار باشد یا نباشد از این رو بسیاری از فقها از جمله آیه الله خویی بر اساس این مبنا فتوا به حرمت داده اند.

وی تصریح می کند که بازی با وسایل قمار غیر از عنوان قمار است. با این حال قائل

به حرمت است. او می نویسد:

العمدة في الدليل على حرمة اللعب بالآلات القمار ولو بلا مراهنه الاخبار
الناهية عن اللعب بالنرد و الشطرنج و نحوهما.^۱
واللعب بالآلات القمار غير عنوان القمار فإننا وإن قلنا بأن عنوان القمار لا يتحقق
إلا مع الرهانة إلا أن اللعب بالآلات القمار يصدق بلامعاوضة.

عمده دلیل حرمت بازی با وسایل قمار هر چند بدون برد و باخت روایاتی
است که از بازی با نرد^۲ و شطرنج و همانند آن نهی می کنند و بازی با وسایل
قمار غیر از عنوان قمار است و ما با این که عنوان قمار را بدون برد و باخت
محقق نمی دانیم لیکن بر بازی با آلات بدون برد و باخت صادق است.

مبنای دیگر در حرمت بازی با شطرنج، ویژگی و خصوصیت آن است. یعنی از میان
وسایل قمار، برای شطرنج، ویژگی خاص استفاده می گردد؛ در نتیجه بازی با آن نیز حرام
است. بر اساس این مبنا حرمت بازی با شطرنج دایر مدار برد و باخت و یا صدق عنوان
قمار و یا شمول اطلاق روایاتی که از بازی با ابزار قمار نهی می کنند نخواهد بود؛ بلکه
خود عنوان شطرنج صرف نظر از صدق عنوان قمار و یا بازی با آلات قمار موضوعیت
دارد. شاهد بر این مطلب روایات فراوانی است که در خصوص شطرنج با تعابیر بسیار
تندی رسیده است. از جمله:

عن أبي بصير عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: بيع الشطرنج حرام و اكل
ثمنه سحت و اتخاذها كفر و اللعب بها شرك و السلام على اللامي بها معصية
و كبيرة موبقة و الخائض فيها يده كالخائض يده في لحم الخنزير؛ لا صلاة له
حتى يغسل يده كما يغسلها من مس لحم الخنزير؛ و الناظر إليها كالناظر في

۱. آية الله سيد علی شاهرودی، محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۴۲۶، تقریرات درس آية الله
خویی، دارالکتاب الاسلامی.

۲. بازی معروف از مخترعات بوذرجمهر است که در برابر شطرنج ساخته ... لغت نامه دهخدا، ماده
«نرد» ج ۵۱، ص ۴۲۱.



فرج امه واللاهي بها والناظر إليها في حال مايلهي بها . والسلام على اللاهي بها في حالته تلك في الإثم سواء ومن جلس على اللعب بها فقد تبوء مقعده من النار وكان عيشه ذلك حسرة عليه في القيامة وإياك ومجالسة اللاهي والمغرور بلعبها فإنها من المجالس التي باء أهلها بسخط من الله يتوقعونه في كل ساعة فيعمك معهم.^٣

امام صادق (ع) می فرماید: خرید و فروش شطرنج حرام و خوردن بهای آن سحت و گرفتن آن موجب کفر و بازی با آن شرك و سلام کردن بر بازی کننده آن گناه کبیره و موجب خلود در عذاب است . دست بردن به سوی آن مانند دست بردن به طرف گوشت خوک است . پیش از شستن دست ، نماز صحیح نیست همان گونه که از مس میت شسته می شود . نگاه کننده به آن مانند نگاه کننده به فرج مادرش است و بازی کننده با آن و نگاه کردن به آن در حالی که با آن بازی می شود و سلام کردن بر بازی کننده آن در حال بازی در گناه برابرند و هر کس برای بازی با آن بنشیند نشیمن گاهش پر از آتش می شود و زندگی او در قیامت افسوس خواهد بود . پرهیز از همنشین شدن با بازی کننده و فریب خورده به شطرنج ؛ زیرا این همنشینی است که خشم خود را با اهلش همراه دارد و باید در هر لحظه در انتظار آن باشند پس تو را نیز فراگیر خواهد بود .

این روایت را ابن ادریس در سرایر از جامع بزنی از ابوبصیر نقل می کند . آیا چنین جملاتی جز با این که بگوییم شطرنج از میان آلات قمار خصوصیتی ویژه دارد می سازد؟ زیرا نسبت به هیچ وسیله قماری این عبارات نیامده است .

۳ . بر اساس مبنای سوم بازی شطرنج هنگامی حرام است که عنوان قمار بر آن صدق کند و این عنوان در صورتی صادق است که افزون بر بازی ، برد و باخت نیز در آن باشد . قدر متیقن از ادله حرمت شطرنج همین صورت است و هیچ فقیهی نمی تواند در آن

۳ . وسایل الشیعه ، ج ۱۲ ، باب ۱۰۳ ، از ابواب مایکتسب به ، ح ۴ ، ص ۲۴۱ .

تردید کند. حتی فقیهانی که بازی با وسایل قمار را حرام نمی دانند آن را حرام می شمارند. از آنچه گذشت تفاوت ابن سه مینا با یک دیگر روشن می شود؛ زیرا بر اساس مبنای دوم، ملاک حرمت، عنوان شطرنج است؛ هر چند مصداق بازی با آلات قمار و عنوان خود قمار صدق نکند و این مینا از دو مبنای دیگر فراگیرتر است و بر اساس مبنای سوم ملاک و معیار حرمت، صدق عنوان بازی با آلات قمار است؛ هر چند قمار صادق نباشد. بنابراین چنانچه قطع حاصل شود که شطرنج آلت قمار نیست بازی با آن نیز حرام نخواهد بود. و بر مبنای سوم حرمت دایر مدار صدق قمار است. بنابراین مینا بازی با آلات بدون برد و باخت حرام نیست چون عنوان قمار صادق نیست.

ب- مبانی حلیت بازی با شطرنج

با کندو کاو در بیانات فقیهانی که جواز بازی با شطرنج را پذیرفته اند دو مینا به چشم می خورد که آثار فقهی هر یک از این دو مینا مختلف است:

۱. برخی از فقها جواز بازی با شطرنج را مشروط به این می دانند که از وسیله ویژه قمار بودن خارج شود و بیشتر از آن به عنوان یک ورزش فکری استفاده گردد.

از جمله بزرگانی که بر اساس صحت این نظریه فتوا به حلال بودن بازی با شطرنج داده حضرت امام خمینی است. وی در پاسخ به پرسشی فقهی این نظر را ابراز کرده است. متن سؤال و جواب عبارت است از:

اگر شطرنج آلت قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده گردد بازی با آن چه صورتی دارد؟^۴

حضرت امام خمینی در مبحث مکاسب محرمه از جمله محرمات را بازی با ابزار ویژه قمار می شمارد؛ هر چند با برد و باخت نباشد.^۵ با این حال در پاسخ این پرسش فتوا به

۴. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵، انتشارات سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی.

۵. حضرت امام خمینی، مکاسب محرمه، ج ۲، ص ۳۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



عدم حرمت داده از آن جهت که شطرنج را در زمان حاضر ویژه قمار نمی‌داند. وی می‌نویسد:

بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.^۶

۲. مبنای دیگری که در حلیت بازی با شطرنج وجود دارد خدشه در ادله حرمت بازی با وسایل ویژه قمار بدون برد و باخت است. از جمله صاحب نظران این باور حضرت آیه الله خوانساری است:

الثانية اللعب بالآلات القمار من دون رهن قدیشك في حرمة حتى مع صدق القمار.^۷

مسئله دوم بازی با ابزار قمار بدون برد و باخت است که حرمت آن مورد شک است؛ حتی با صدق عنوان قمار.

واضح است که این مبنا با مبنای حضرت امام تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا بر اساس این مبنا حتی اگر شطرنج از وسایل قمار باشد با این حال بازی با آن حرام نیست. ادله بطلان و یا صحت این مبنا موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

مراجعات پاییز و بهار ۱۳۸۵

فیهما
سال ۵ / شماره ۱۷ و ۱۸

۳۱۶

تقریر محل بحث

پیش از هر بحثی تبیین مدعا و توضیح مورد بحث ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا در این بحث مطالب گوناگونی از جهت فقهی میان فقها مورد گفتگو و قابل تحقیق است. از جمله:

الف- حکم خرید و فروش ابزاری که مخصوص قمار است.

ب- بحث از این که آیا آنچه در گذشته وسیله قمار بوده از آلت بودن قمار خارج شده است یا نه؟ به ویژه شطرنج که امروزه در جهان از آن به عنوان وسیله ورزش فکری استفاده می‌گردد.

۶. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵.

۷. آیه الله خوانساری، جامع المدارك، ج ۳، ص ۲۷، مؤسسه اسماعیلیان.

ج- بحث دیگر این که ملاك ابزار قمار بودن چیست؟

د- بازی با وسایل قمار با فرض این که هنوز وسیله قمار است آیا حرام می باشد یا نه؟
در این نوشته بحث آخر را پی می گیریم و مباحث دیگر در جای خود شایسته گفتگو است و در آثار فقهی مورد بحث قرار می گیرند. اگر چه آن موارد در این بحث نیز تاثیر دارند؛ لیکن از قلمرو این نوشته خارج می باشند.

نگاهی به دیدگاه فقههای صدر اول

پس از روشن شدن مدعا و تبیین محل بحث شایسته است نگاهی گذرا به نظرات فقههای پیشین داشته باشیم؛ زیرا آشنایی با دیدگاه صاحب نظران در هر مسأله علمی سودمند است به ویژه در مطالب فقهی که جزء دانشهای نقلی و تتبعی به شمار می آید؛ چون اجماع و اتفاق فقها از جمله منابع استنباط و استخراج احکام شرعی محسوب می گردد؛ خصوصاً اجماع و توافق عالمان صدر اول که روزگار آنان با عصر ائمه معصومین (ع) نزدیک بوده است و کلمات آنها با کلام معصوم (ع) که مهمترین منبع احکام فقهی است مطابقت پیدا می کند.

شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ. ق.) پس از بیان اختلاف روایات در مورد نهی از شطرنج، احتیاط را ترجیح می دهد:

و اعلم ان الشطرنج قد روی فيه نهی و إطلاق...

فالصواب والاحتیاط فی ذلك نهی النفس عنه و اللعب به ذنب.^۸

درباره شطرنج دو دسته حدیث وارد شده: برخی نهی و برخی دیگر از آن نهی نکرده است...

پس حق و احتیاط در این مورد خودداری از آن است. و بازی با آن گناه می باشد

ممکن است در استفاده احتیاط اصطلاحی از کلام شیخ صدوق، اشکال شود.

۸. شیخ صدوق، المقنع، ص ۴۵۷، مؤسسه امام هادی.



هر چند ظاهر عبارت او دلالت بر احتیاط دارد.

شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ. ق.) در مقام بیان کسبهای حرام از خرید و فروش شطرنج نام می برد:

و كل ما حرّمه الله تعالى و حظره على خلقه فلا يجوز الاكتساب به ... و التمايل
المجسمة و الشطرنج و النرد وما اشبه ذلك حرام، و بيعه و ابتياعه حرام.^۹
کسب با هر چیزی که خدا بر بندگان حرام کرد جایز نیست. ... از جمله:
مجسمه، شطرنج، نرد و همانند اینها که حرامند و خرید و فروش آنها نیز
حرام است.

سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ. ق.) در مقام پاسخ از حکم بازی با شطرنج و نرد در آغاز، آن
را حرام می شمارد؛ لیکن در پایان می فرماید: بر وجهی بازی با اینها از نظر شیعه قبیح
ندارد:

اللعب بالشطرنج و النرد محرم محذور و اللعب بالنرد اغلظ و اعظم عقاباً
و لا قبحة عند الشيعة الإمامية في اللعب بشيء منهما على وجه ...^{۱۰}
بازی با شطرنج و نرد ممنوع و حرام است و گناه بازی با نرد شدیدتر است
و قبیحی از نظر شیعه امامی در بازی به هیچ یک از اینها بر وجهی نیست.

دور نیست مقصود سید مرتضی از حرمت بازی با شطرنج، بازی با برد و باخت بوده و
مراد وی از عدم قبیح بازی با شطرنج، بازی بدون برد و باخت باشد.

ابو صلاح حلبی (م ۴۴۷ هـ. ق.) بازی با شطرنج را مطلقاً حرام دانسته است:

... عمل النرد و الشطرنج و سایر آلات القمار و اللعب بها.^{۱۱}

از جمله محرمات ساختن نرد و شطرنج و دیگر وسایل قمار و بازی با آنها
است.

۹. شیخ مفید، المقنعه، ص ۵۸۷، مؤسسه نشر اسلامی.

۱۰. سید مرتضی، رسائل شریف مرتضی، مجموعه اولی، ص ۲۹۵، دارالقرآن.

۱۱. ابو صلاح حلبی، الکافی، ص ۲۸۰، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین.



شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ. ق.) در کتاب نه‌ایة الاحکام در باب مکاسب محظور و مکروه و مباح می‌نویسد:

فمن المحرمات ... الشطرنج والنرد وسایر أنواع القمار ... فالتجارة فيها والتصرف والتكسب بها حرام محظور.^{۱۲}

از جمله کسبهای حرام ... شطرنج و نرد و دیگر انواع قمار است ... پس تجارت با آنها و تصرف و کاسبی با آنها ممنوع و حرام است.

قاضی عبد العزیز (م ۴۸۰ هـ. ق.) از جمله کسبهای حرام را شطرنج و نرد می‌شمارد: فاما المحظور ... الشطرنج والنرد.^{۱۳}

از جمله کسبهای ممنوع شطرنج و نرد است.

ابن ادریس (م ۵۹۸ هـ. ق.) در مقام بیان اقسام کسبها از جمله کسبهای حرام می‌نویسد:

فاما المحظور ... الشطرنج والنرد.^{۱۴}

از جمله کسبهای ممنوع ... شطرنج و نرد است.

صاحب اصباح الشریعه در بحث کسبهای حرام بازی با شطرنج را به گونه مطلق حرام دانسته است:

ولا يجوز بيع انواع الملاهي ... واللعب بالشطرنج.^{۱۵}

خرید و فروش انواع وسیله لهو جایز نیست و نیز بازی با شطرنج.

جمع بندی

از مجموع کلمات فقهای پیشین مطالبی چند استفاده می‌گردد. از جمله:

۱۲. شیخ طوسی، النهایة و نکتهها، ج ۲، ص ۹۷، مؤسسه نشر اسلامی.

۱۳. قاضی عبد العزیز ابن براج، المذهب، ج ۲، ص ۳۴۴، مؤسسه نشر اسلامی.

۱۴. ابن ادریس، الینایع الفقهیة (سراثر)، ج ۱۴، ص ۴۰.

۱۵. نظام الدین مهرشتی، اصباح الشریعة بمصباح الشریعة، ص ۲۷۵، ضمن سلسله الینایع الفقهیة، ج ۱۳.



۱. همه فقیهانی که متعرض حکم بازی با شطرنج شده‌اند - جز شیخ صدوق که احتیاط کرده - فتوا به حرمت داده‌اند.

۲. تمام فقها بازی با شطرنج را از کسبهای حرام دانسته‌اند و این بحث را در آنجا متعرض شده‌اند. شاید بتوان گفت: بازی بدون برد و باخت چون کسب نیست مقصود فقهای صدر اول نبوده است؛ زیرا آنان بازی با شطرنج را از آن رو که از مصادیق کسب دانسته‌اند فتوا به حرمت داده‌اند.

مفهوم لغوی قمار

از جمله مطالب سودمند و لازم در این بحث، بررسی معنای قمار در کتابهای فرهنگ است؛ زیرا فقها در توسعه و حد مفهوم قمار و برخی از موارد آن اختلاف دارند. صاحب معجم مقایس اللغة در مفهوم قمار گروگذاری را شرط می‌داند؛ زیرا پس از بیان این که ماده «قمر» به معنای سفیدی هر چیزی است برخی قمار را از این ماده ندانسته‌اند و برخی دیگر از آن جهت که شخص مقامر همانند ماه در حال خود آرام آرام کم و یا زیاد می‌کند از این ماده دانسته‌اند:



۳۲۰

القاف والمیم والراء اصل صحيح يدل على بياض في شيء ثم يفرع منه...

والقمار من المقامرة فقال قوم: هو شاذ عن الأصل الذي ذكرناه وقال آخرون

بل هو منه وذلك أن المقامر يزد ماله وينقص ولا يبقى على حال. ۱۶

علامه فیومی قمار به فتح قاف را مصدر باب مفاعله دانسته است و آن را به معنای غلبه

و پیروزی می‌داند و برد و باخت را در آن شرط نمی‌کند.

وقامرته قماراً من باب قاتل فقامرته قمرأ... غلبته في القمار. ۱۷

صاحب القاموس المحيط در صدق عنوان قمار، برد و باخت را قید کرده و آن را از

باب مفاعله گرفته می‌نویسد:

۱۶. احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۲۵.

۱۷. علامه فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۷۰۸، اسماعیلیان.

قماره مقامرة و قماراً قمره ... راهنه فغلبه. ^{۱۸}

علامه طریحی از کسانی است که در صدق مفهوم قمار برد و باخت را شرط نمی کند.
وی می نویسد:

أصل القمار الرهن على اللعب بالشيء من هذه الأشياء وربما أطلق على
اللعب بالخاتم والجوز. ^{۱۹}

اصل قمار عبارت است از برد و باخت در بازی یا یکی از این وسایل
مخصوص و چه بسا قمار بر بازی با انگشتر و گردو نیز اطلاق گردد.

صاحب المنجد «قمار» را هم فعل ثلاثی مجرد بر وزن فَعَلَ و هم از فعل ثلاثی مزید از
باب مفاعله و باب تفاعل گرفته و قوام مفهوم قمار را برد و باخت دانسته است:

قَمَرَ قَمَرًا: راهن و لعب في القمار ... قامر مقامرة و قماراً: راهنه و لاعبه
في القمار تقمر الرجل غلبه في القمار تقامر القوم: تراهنوا و لعبوا في
القمار. القمار (مص): كل لعب يشترط فيه ان يأخذ الغالب من المغلوب
شيئاً سواء كان بالورق أو غيره. ^{۲۰}

علامه دهخدا نیز از چند فرهنگ لغت نقل می کند که آنان در مفهوم قمار وجود برد و
باخت را شرط کرده اند:

قمار ... مقامره بگرو چیزی باختن و نبرد کردن با هم بگرو.

(منتهی الارب) ... قمار هر بازی که در آن شرط و گرو بندی باشد. ^{۲۱}

صاحب لسان العرب نیز در صدق مفهوم قمار برد و باخت و گرو را شرط کرده است:

قامر الرجل مقامرة و قماراً راهنه وهو التقامر. ^{۲۲}

۱۸. فیروز آبادی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱۹. علامه طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۶۳.

۲۰. المنجد، ص ۶۵۳، چاپ بیستم.

۲۱. دهخدا، لغت نامه، ج ۳۱، ص ۴۶۶.

۲۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۱۵.



شر تونی نیز در معنای قمار رهن را شرط کرده می نویسد:

قمر الرجل قمرأ: رهن ولعب القمار قامة مقمرة ای رهنه ولاعبه في القمار.^{۲۳}

از کلمات لغت شناسان مطالبی قابل استفاده است. از جمله:

۱. جز علامه طریحی، دیگران در صدق مفهوم قمار برد و باخت و گروگذاری را شرط و مقوم مفهوم آن دانسته اند. بنابراین بازی بدون برد و باخت از نظر آنان قمار نیست و این نکته اثر زیادی در فقه دارد.

۲. در این که قمار مصدر فعل ثلاثی مجرد است یا ثلاثی مزید و در صورت دوم مصدر کدام باب است مورد گفتگو واقع شده و چون اثر فقهی ندارد مورد تحقیق قرار نمی گیرد.

مفهوم قمار در اصطلاح فقها

از جمله مطالبی که پیش از شروع به اصل بحث باید تحقیق گردد مفهوم و تعریف قمار در اصطلاح فقها است. این بحث در استنباط حکم بازی با شطرنج نقش اساسی دارد؛ زیرا همان گونه که گذشت یکی از مبانی فقهی حرمت بازی با شطرنج این است که قمار حتی در بازیهای بدون برد و باخت صادق است. بنابراین روایاتی که دلالت بر حرمت قمار دارند آن را در بر می گیرند. از این رو کند و کاو از مفهوم قمار لازم به نظر می رسد.

فقها در مفهوم قمار اختلاف کرده اند: برخی قوام آن را به برد و باخت می دانند و برخی دیگر آن را بدون برد و باخت نیز صادق می دانند.

محقق اردبیلی برای قمار مفهوم وسیعی قائل است و آن را بی برد و باخت صادق

می داند:

القمار هو اللعب بآلات المعدة له كالنرد و الشطرنج.^{۲۴}

قمار عبارت است از بازی با وسایل ویژه قمار مانند بازی بانرد و شطرنج.

۲۳. سعید خوری، اقرب الموارد، ج ۲، ص ۱۰۳۶، آیه الله نجفی.

۲۴. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۸، ص ۴۱، انتشارات جامعه مدرسین.

شهید دوم نیز همانند محقق اردبیلی از ظاهر کلامش استفاده می‌گردد که برد و باخت را در آن شرط نمی‌داند.

وی می‌نویسد:

القمار وهو اللعب بالآلات المعدة له كالنرد والشطرنج.^{۲۵}

قمار عبارت است از بازی با وسایل ویژه برای قمار مانند نرد و شطرنج.

برخی دیگر از فقها در صدق مفهوم قمار افزون بر بازی با وسایل ویژه قمار وجود برد و باخت را شرط کرده‌اند. بسیاری از فقها این باور را که هماهنگ با نظر ارباب فرهنگ است ابراز کرده‌اند. از جمله صاحب جواهر پس از استدلال بر حرمت قمار و مالی که از آن نقل و انتقال می‌شود - چه از دو طرف قمار و یا از شخص سوم - می‌نویسد:

بل قيل: إن أصل القمار الرهن على اللعب بشيء من آلاته كما هو ظاهر

القاموس والنهاية أو صريحهما وصريح مجمع البحرين.^{۲۶}

بلکه گفته شده: اصل قمار عبارت است از گرو نهادن بر بازی با آلات قمار.

همان گونه که ظاهر قاموس اللغة و نهایی بلکه صریح این دو و صریح مجمع

البحرین این معنا است.

لازم به یادآوری است هر چند صاحب جواهر این مطلب را با کلمه «قیل» بیان کرده لیکن نظر قطعی وی همین است؛ زیرا پس از بیان این نظر باور آنان که در قمار برد و باخت را شرط نمی‌دانند نمی‌پذیرد و بازی بدون برد و باخت را حرام نمی‌شمارد؛ به دلیل اصل و سیره قطعی و انصراف ادله حرمت به بازی از روی برد و باخت از سوی دیگر هدف او از کلمه «قیل» رد این نظر است که پول باید از سوی بازی کننده پرداخت شود.

محقق نراقی از کسانی است که در صدق مفهوم قمار برد و باخت را شرط می‌کند و اما نسبت به این که گرو باید تنها از سوی بازیگران باشد تردید می‌کند. ایشان می‌نویسد:

ثم الظاهر أن القمار يكون في كل لعب جعل للغالب أجر مطلقاً أو إذا كان بما

۲۵. شهید ثانی، مسالك الافهام، ج ۳، ۱۲۲، معارف اسلامی.

۲۶. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۰۹، دار احیاء التراث العربی.



أعد لذلك عند اللاعبين. ٢٧

ظاهرأ قمار بر بازی ای که برای برنده اجری باشد صادق است؛ مطلقاً (چه اجر از بازیگران و برای بازیگران باشد یا نه) و یا زمانی که مزد از بازیگران و برای بازیگران باشد.

شیخ انصاری نیز در صدق مفهوم قمار گرو را شرط می داند. وی می نویسد:

هو بكسر القاف كما عن بعض أهل اللغة الرهن على اللعب بشيء من الآلات المعروفة. ٢٨

قمار به کسر قاف عبارت است از گروگذاری در بازی با وسایل معروف قمار همان گونه که برخی از ارباب لغت گفته اند.

از ظاهر عبارت محقق کرکی معروف به محقق ثانی استفاده می گردد که در مفهوم قمار برد و باخت را شرط می داند؛ هر چند در پایان عبارت اشاره می کند که گاهی قمار بر هر گونه بازی اطلاق می گردد:

أصل القمار: الرهن على اللعب بشيء من هذه الأشياء وربما أطلق على اللعب بها مطلقاً. ٢٩

اصل قمار عبارت است از گروگذاری بر بازی با وسایل ویژه قمار و چه بسا قمار بر بازی با آن وسایل هر چند برد و باخت نباشد اطلاق گردد.

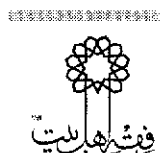
نقد و بررسی

به نظر می رسد از میان این دو باور نظر دوم به واقع نزدیکتر باشد؛ زیرا اولاً؛ بیشتر لغت شناسان همان گونه که پیش از این از نظر گذشت- برد و باخت را در صدق مفهوم قمار شرط کرده اند و ادعای حقیقت شرعی یا متشرعه در مورد قمار نادرست

٢٧. محقق نراقی، مستند الشیعه، ج ١٤، ص ١٠٤، مؤسسه آل البیت.

٢٨. مکاسب، ج ٢، ص ٣١٩، دارالحکمة.

٢٩. محقق کرکی (ثانی)، جامع المقاصد، ج ٤، ص ٢٤، مؤسسه آل البیت.



سال ٥ / شماره ١٧ و ١٨

٣٢٤

است؛ زیرا بسیاری از فقها نیز گروگذاری را در صدق این مفهوم شرط کرده اند.

ثانیاً؛ دور نیست اطلاق قمار بر بازی با وسایل ویژه قمار هر چند بدون برد و باخت توسط برخی از فقها، از باب مسامحه باشد؛ زیرا استعمالات مسامحه ای در کلمات فقها زیاد به چشم می خورد بنابراین به کارگیری عنوان قمار در بازی بدون برد و باخت با مجاز بودن سازگار است.

ثالثاً؛ در برخی از روایات نیز صدق قمار را مشروط به گروگذاری کرده اند. از جمله:

عن یاسر الخادم عن الرضا - علیه السلام - سألته عن الميسر. قال: الثفل من كل شيء. قال: الخبز والثفل ما يخرج بين المتراهنين من الدراهم وغيره.^{۳۰}

ادله حرمت

آنچه از اهمیت زیاد برخوردار است نقد و بررسی ادله ای است که بر حرمت بازی با وسایل ویژه قمار بدون برد و باخت از جمله شطرنج استدلال شده است.

لازم به یادآوری است در این نوشته نخست دلیلهای آیه الله خوانساری و جوابهای وی را نقل می کنیم و افزون بر آن، جوابهای دیگری را مطرح می کنیم و در پایان، آن دسته از ادله که وی مورد نقد و بررسی قرار نداده مورد ارزیابی قرار می دهیم.

الف- آیات

از جمله ادله ای که بر حرمت بازی با وسایل ویژه قمار (شطرنج) استدلال شده آیات قرآن با توجه به روایاتی که در تفسیر آنها وارد شده است می باشد. در اینجا یکی از آیاتی که بدان بر حرمت استدلال شده نقل و سپس پاسخ آیه الله خوانساری و به دنبال آن اشکالات دیگر مطرح می گردد:

إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ.^{۳۱}

۳۰. وسایل الشیعه، باب ۳۵، از ابواب مایکتسب به، ج ۱۲، ص ۱۲۱.

۳۱. مائده (۵) آیه ۹۰.



همانا می و قمار و بتها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است پس از آن پرهیزید.

دلالت آیه بر حرمت شطرنج از کلمه میسر استفاده می شود؛ زیرا میسر در روایات به نرد و شطرنج تفسیر شده است. از جمله فقهایی که به این آیه بر حرمت هرگونه بازی با وسایل مخصوص قمار به ویژه شطرنج استدلال کرده شیخ انصاری است وی می نویسد:

وفي تفسير القمي عن أبي الجارود عن أبي جعفر -عليه السلام- في قوله تعالى ... و أما الميسر فالنرد و الشطرنج و كل قمار ميسر إلى أن قال و كل هذا بيعه و شراؤه و الانتفاع بشيء من هذا حرام من الله محرم.^{۳۲}

در تفسیر قمی ابو جارود از امام باقر -علیه السلام- در تفسیر فرمایش خداوند (میسر) نقل کرده که میسر عبارت است از نرد و شطرنج و هرگونه قماری ... و فرموده خرید و فروش و بهره وری از اینها حرام است.

استدلال به آیه با توجه به روایت ابو جارود که میسر را به شطرنج و نرد و هرگونه قمار تفسیر کرده روشن است.

مراکز تحقیقات کاپتور علوم اسلامی

نقد و بررسی

اولاً؛ ممکن است گفته شود آیه و روایت تنها بر حرمت خرید و فروش آلات ویژه قمار دلالت می کنند نه بر حرمت بازی با آنها. آیه الله خوانساری می نویسد:

و اما روایة أبي الجارود فالمستفاد منها حرمة بيع آلات القمار ولا نفهم دلالتها على حرمة اللعب بدون الرهن.^{۳۳}

اما از روایت ابو جارود حرمت خرید و فروش وسایل قمار استفاده می شود؛ ولی حرمت بازی با آنها بی برد و باخت فهمیده نمی شود.

ثانیاً؛ ممکن است گفته شود این روایت بازی بدون برد و باخت را در بر نمی گیرد؛

۳۲. مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۳۲۱، دارالحکمه.

۳۳. جامع المدارك، ج ۳، ص ۲۸.

زیرا مقصود از انتفاع از این گونه وسایل، انتفاع متعارف در آن زمان یعنی همراه با برد و باخت است؛ نه هر گونه بازی هر چند بدون برد و باخت باشد. شاهد بر این مدعا روایاتی است که میسر را به قمار تفسیر کرده است مانند روایت و شاء:

عن أبي الحسن - عليه السلام - قال: سمعته يقول: الميسر هو القمار.^{۳۴}
و شاء می گوید: شنیدم امام رضا - علیه السلام - می فرماید: میسر عبارت است از قمار.

همین مضمون در روایات دیگری مانند روایت وارده در تفسیر عیاشی وارد شده است.^{۳۵} افزون بر این میسر در فرهنگها نیز به قمار معنی شده. از جمله در مجمع البحرین می نویسد:

الميسر القمار ... و يقال: سمي ميسراً لتيسر أخذ مال الغير فيه من غير تعب ومشقة.^{۳۶}

میسر عبارت است از قمار ... وجه نامیدن بدین نام این است که گرفتن ثروت دیگران با آن بدون مشقت و زحمت ممکن است.
بنابر این میسر که در آیه مورد نهی قرار گرفته قمار است و پیش از این ثابت شد که قمار متقدم است به بازی ای که در آن برد و باخت وجود داشته باشد.
اشکال: در برخی از روایات میسر به آلات قمار تفسیر شده مانند روایت محمد بن عیسی:

... يسألونك عن الخمر والميسر ... فكتب كل ما قومر به فهو ميسر.^{۳۷}
امام دهم علی بن محمد - علیه السلام - در تفسیر میسر می نویسد: هر چیزی که با آن قمار شود میسر است.

۳۴. وسایل الشیعه، ج ۱۲، باب ۳۵ از ابواب مایکتسب به، ج ۳، ص ۱۱۹، چاپ اسلامیة.

۳۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۹، تفسیر آیه ۹۰ از سوره مائده.

۳۶. علامه طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۲۰.

۳۷. وسایل الشیعه، ج ۱۲، کتاب التجارة باب ۱۰۴ از ابواب مایکتسب به، ج ۱۱، ص ۲۴۳.



پاسخ: در چنین مواردی از باب نامیدن اسم مسبب بر سبب به آلات قمار نیز قمار و میسر اطلاق شده و یا این که این اطلاق مجازی است از باب قرینه مشارفت.

ثالثاً؛ بر فرض بپذیریم که مقصود از میسر در این آیه و حدیث آلات و وسایل قمار است باز هم دلالت بر حرمت بازی بدون برد و باخت نمی کند؛ زیرا ممکن است گفته شود: در ذیل حدیث که از خرید و فروش و نفع بردن از آنها نهی شده تنها بر حرمت وضعی دلالت دارد نه حرمت تکلیفی.

رابعاً؛ این حدیث از نظر سند اعتبار ندارد؛ زیرا افزون بر ارسال به علت افتادگی^{۳۸} شخص ابوجارود توثیق ندارد.

ب- روایات

اساسی ترین دلیل بر حرمت بازی با وسایل مخصوص قمار به ویژه شطرنج اخبار است که با مضامین گوناگون وارد شده است. از جمله:

۱- روایت تحف العقول:

شیخ انصاری نخست قمار را به چهار قسم اساسی تقسیم می کند:

قمار یا با وسایل مخصوص قمار و با برد و باخت است و یا با وسایل مخصوص قمار و بدون برد و باخت و نیز یا با غیر وسایل قمار و با برد و باخت می باشد و یا بدون برد و باخت است. وی نسبت به قسم دوم پس از نقد و بررسی ادله حرمت این صورت می نویسد:

والأولى الاستدلال على ذلك بما تقدم في رواية تحف العقول في أن ما يجيء

منه الفساد محضاً لا يجوز التقلب فيه في جميع وجوه الحركات.^{۳۹}

استدلال صحیح بر حرمت بازی با وسایل مخصوص قمار بی برد و باخت

عبارت است از روایت تحف العقول آنجا که دارد هر چیزی که از آن تنها

۳۸. همان، ج ۱۲، باب ۱۰۳ از ابواب مایکتب به، ۱۲، ص ۲۳۹.

۳۹. شیخ انصاری، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۳۲۱، منشورات دارالحکمة.

فساد و تباهی حاصل می گردد هرگونه تصرف و جا به جایی در آن روا نیست.

نقد و بررسی

این استدلال از جهات گوناگون درخور نقد است. از جمله:

اولاً؛ آیه الله خوانساری فراگیری حدیث تحف العقول نسبت به بازی های بدون برد و باخت - از جمله بازی با شطرنج - را مورد اشکال قرار می دهد؛ زیرا بازی با شطرنج بدون برد و باخت مصداق فساد نیست. وی می نویسد:

أما رواية تحف العقول فيشكل شمولها لما نحن فيه لأن اللعب بدون الرهن يعد لغواً و شمول مايجيء منه الفساد محضاً غير ظاهر إلا أن يقال غلبة أحد اللاعبين توجب عداوة المغلوب منهما وعد هذه فساداً منهياً عنه لا تخلو عن إشكال. ۴۰

فراگیری روایت تحف العقول نسبت به بازی با وسایل مخصوص قمار (شطرنج) بدون برد و باخت مشکل است؛ زیرا این بازی لغو به شمار می آید و شمول عنوان فساد محض ظاهر نیست؛ مگر گفته شود پیروزی یک طرف سبب دشمنی شخص مغلوب می گردد لیکن به شمار آوردن این مطلب به عنوان فساد مورد نهی خالی از اشکال نیست.

ثانیاً؛ روایت تحف العقول از نظر سند مرسل است. بنابراین حجت نیست؛ هر چند تحف العقول را از کتابهای معتبر بدانیم و ادعای جبر ضعف سند با عمل مشهور، نادرست است؛ زیرا برخی از مضامین روایت به هیچ وجه مورد فتوای فقها نمی تواند باشد مانند حرمت پوشیدن لباسی که از پوست درندگان تهیه شده و یا حرمت بهره بری مطلق از درندگان و یا حرمت بهره بری از مردار حتی در مواردی که طهارت شرط نشده است.

ثالثاً؛ ممکن است گفته شود: کلمه «تقلب» منصرف است به متعارف در آن زمان که

۴۰. آیه الله خوانساری، جامع المدارك، ج ۳، ص ۲۸.



بازی همراه با برد و باخت بوده است

محقق شیرازی در این باره می نویسد:

ويمكن دعوى انصراف القلب المذكور قبله إلى القلب المتعارف وهو اللعب
مع الرهن. ٤١

ممکن است انصراف قلب در حدیث به قلب متعارف در آن زمان باشد که
بازی با برد و باخت است.

۲. روایت حلبی:

از جمله روایاتی که بدان بر حرمت بازی با آلات قمار (شطرنج) استدلال شده ۴۲
حدیثی است که فرزند شیخ طوسی مشهور به مفید ثانی نقل کرده است:

عن علی - علیه السلام - قال: كل ما الهی عن ذکر الله فهو من الميسر. ۴۳
امام علی - علیه السلام - می فرماید: هر چیزی که انسان را از یاد خدا باز دارد
میسر است.

دلالت حدیث به این صورت است که بر اساس دلالت آیه نود سوره مائده هر میسری
حرام است و چون بازی با شطرنج موجب فراموشی یاد خدا می گردد حرام است.

نقد و بررسی

از چند جهت استدلال به این حدیث قابل خدشه است. از جمله:

اولاً؛ آیه الله خوانساری می فرماید:

وأما ما عن أمير المؤمنين - عليه السلام - فلا يستفاد منه الحرمة وإلا لزم حرمة

كل أمر مباح الهی عن ذکر الله. ۴۴

۴۱. میرزا محمد تقی شیرازی، حاشیه مکاسب، ص ۱۲۲.

۴۲. محقق ایروانی، حاشیه مکاسب، ص ۳۸.

۴۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱۰۰ از ابواب مایکتسب به، ۱۵، ص ۲۳۵.

۴۴. جامع المدارك، ج ۳، ص ۲۸.



سال ۵ / شماره ۱۷ و ۱۸

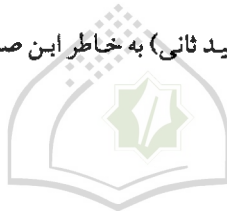
از روایت امیر مؤمنان - علیه السلام - حرمت (بازی با وسایل قمار از جمله شطرنج) استفاده نمی شود؛ زیرا اگر این روایت دلالت بر حرمت کند لازم می آید هر کار مباحی که موجب فراموشی یاد خدا شود حرام باشد.

توضیح: شاهد عدم دلالت این روایت بر حرمت این است که شیخ آن را به عنوان مؤید نقل کرده ^{۴۵} نه دلیل و فقهای دیگر این روایت را حمل بر کراهت لهو کرده اند نه حرمت.

ثانیاً؛ سند روایت ضعیف است؛ زیرا ابن صلت توثیق نشده است. آیه الله خویی می نویسد:

ضعيفة لابن الصلت وغيره. ^{۴۶}

این روایت (مفید ثانی) به خاطر این صلت و دیگران از نظر سند ضعیف است.



۳. روایت فضیل:

از جمله روایات مورد استدلال بر حرمت بازی با آلات قمار از جمله شطرنج حدیث

فضیل است:

قال: سألت أبا جعفر - عليه السلام - عن هذه الأشياء التي يلعب بها الناس النرد والشطرنج حتى انتهيت إلى السدر. ^{۴۷} فقال: إذا ميز الله الحق من الباطل مع ابهما يكون. قال: مع الباطل؟ قال: فمالك وللباطل؟ ^{۴۸}

فضیل می گوید: از امام باقر - علیه السلام - از چیزهایی که مردم با آنها بازی می کنند پرسیدم مانند نرد و شطرنج. تا این که به سدر رسیدم. آن حضرت

۴۵. مکاسب محرمه، ج ۲، ص ۳۲۱.

۴۶. مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۷۰.

۴۷. بازی ای که با آن قمار می کنند و آن فارسی سدر است. لغت نامه دهخدا، ج ۳۱، ص ۳۷۰.

۴۸. وسایل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱۰۴ از ابواب مایکتسب به، ۳، ص ۲۴۲.

در پاسخ فرمود: هرگاه خدا میان حق و باطل را جدا کند با کدام خواهد بود؟

سؤال کننده می گوید: با باطل. حضرت فرمود: تو را با باطل چه کاری

است؟

تقریب دلالت روایت بر مدعا به این است که بگوییم: حضرت بازی با شطرنج را در ردیف باطل قرار داد و سپس با استفهام انکاری فرموده است: تو را با باطل چه کاری؟ و از طرفی بازی با شطرنج اطلاق دارد و بازی بدون برد و باخت را نیز فرامی گیرد.

نقد و بررسی

این استدلال از جهاتی قابل خدشه است:

اولاً؛ آیه الله خوانساری در مقام اشکال نقضی می فرماید: اگر بخواهیم از آن جهت که امام معصوم - علیه السلام - بازی با شطرنج را از اقسام باطل قرار داده حرمت آن را استفاده کنیم باید بسیاری از امور مباح نیز حرام باشد؛ زیرا در تقسیم بندی، در برابر حق جای دارد نه جزء آن. از باب نمونه درباره هر امر لغو و یا حرف زدن های بی فایده می نویسد:

واما رواية الفضيل ... فاستفاداة الحرمة منهما من جهة الطرفية مع الحق مشكلة الا ترى ان اللغو لا يكون باطلاً ومع ذلك لا يكون محرماً وكذلك تكلم الانسان بما لا يعنيه لا يكون حقاً فيكون باطلاً لا يعد من المحرمات.^{۴۹}

استفاده حرمت بازی با شطرنج از روایت فضیل از آن جهت که جزء باطل و در برابر حق به شمار آمده مشکل است؛ زیرا امور لغو نیز حق نیست و باید باطل و حرام باشد حال آن که حرام نیست و نیز گفتگوهای بی فایده انسان جزء حق نیست پس باید باطل و حرام باشد. در حالی که از محرمات به شمار نمی آید.

همین اشکال نقضی بسیاری از بزرگان - از جمله محقق ایروانی - را بر آن داشته تا

روایت را حمل بر کراهت کنند^{۵۰} و برخی دیگر - از جمله شیخ - آن را به عنوان مؤید نقل کنند نه دلیل.^{۵۱}

ثانیاً؛ ممکن است گفته شود سؤال منصرف به بازی های همراه با برد و باخت است زیرا متعارف در آن زمان، بازی با برد و باخت بوده است و پاسخ امام اطلاق ندارد تا بدان تمسک گردد.

ثالثاً: سند روایت اشکال دارد؛ زیرا بعضی از بزرگان مانند آیه الله خویی نسبت به وثاقت سهل بن زیاد اشکال می کنند.^{۵۲}

پاسخ: به نظر می رسد بر اساس تحقیقی که شده سهل بن زیاد مورد اعتماد است؛ زیرا بسیاری از صاحب نظران در رجال به روایتش اعتماد کرده اند. از جمله حضرت آیه الله سید موسی شبیری زنجانی - صاحب نظر در دانش رجال - شفاهاً در پاسخ از وثاقت و ضعف سهل بن زیاد فرمود:

مرحوم کلینی فراوان با جمله «عدة من أصحابنا عن سهل» روایت می کند. از سوی دیگر می دانیم بیشتر «عدة من اصحابنا» همان مشایخ کلینی اند و خیلی دور است که این افراد از شخص ضعیف نقل حدیث کنند. ممکن است اشکال شود که اینان بر مبنای اصالة العدالة از سهل نقل حدیث کرده اند. پاسخ این است که چون این بزرگان با سهل آمد و شد داشته اند عدالت و فسق او در نظر آنها مشکوک نبوده است تا به اصالة العدالة تمسک شود.^{۵۳}

با این که سند از جهت سهل اشکال ندارد؛ اما عبدالله بن عاصم توثیق نشده جزاز ناحیه متأخرین همانند علامه حلی؛ لیکن توثیقات آنها حدسی است و قابل اعتنا نیست.

۵۰. حاشیه مکاسب، ص ۳۸.

۵۱. مکاسب محرمه، ج ۲، ص ۳۲۱.

۵۲. آیه الله خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۳۷.

۵۳. حضرت آیه الله وحید خراسانی نیز سهل را ضعیف نمی داند.



۴. موثقه زرارۀ:

از جمله روایات مورد استدلال بر حرمت بازی با شطرنج - هر چند بدون برد و باخت - موثقه زرارۀ از امام صادق - علیه السلام - است:

إنه سئل عن الشطرنج ... فقال: أرايتك إذا ميز الله الحق والباطل مع أيهما تكون؟ قال: مع الباطل. قال: لا خير فيه. ^{۵۴}

از امام صادق - علیه السلام - از حکم شطرنج پرسیده شد ... آن حضرت فرمود: هرگاه خداوند میان حق و باطل را جدا کند شطرنج با کدام یک از آنها خواهد بود؟ زرارۀ می گوید: با باطل. حضرت فرمود: پس خیری در آن نیست.

تقریب دلالت به این است که بگوییم: شطرنج از آن جهت که در تقسیم بندی در ردیف باطل قرار دارد در آن خیری نیست در نتیجه جایز نخواهد بود.

نقد و بررسی

بر استدلال به این حدیث نیز ایراداتی ممکن است وارد باشد:

اولاً؛ آیه الله خوانساری اشکال نقضی می کند که اگر شطرنج از آن جهت که در ردیف باطل واقع شده و در آن خیری نیست حرام باشد باید هر غیر حق و هر چه در آن خیر نیست حرام باشد. وی در این باره می نویسد:

وأما ... الموثقة فاستفادة الحرمة منهما من جهة الطرفية مع الحق مشكلة.

الآثری أن اللغو لا يكون حقاً فهو يكون باطلاً ومع ذلك لا يكون محرماً ... ^{۵۵}

استفاده حرمت بازی با شطرنج - هر چند همراه با برد و باخت نباشد - از روایت فضیل و موثقه زرارۀ از آن جهت که در تقسیم بندی جزء باطل شمرده شده مشکل است؛ زیرا امور لغو در ردیف حق قرار نمی گیرد. پس باید



۵۴. وسایل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱۰۲، از ابواب مایکتسب به، ۵، ص ۲۳۸.

۵۵. جامع المدارك، ج ۳، ص ۲۸.

باطل و حرام باشد در حالی که حرام نیست.

توضیح کلام وی این است که حق نبودن اعم از حرمت است؛ زیرا بسیاری از امور در زندگی روزمره انسانها حق نیست با این حال حرام نیست. این حدیث از آن جهت که امام در مقام بیان حکم شطرنج می فرماید: «لاخیر فیه» دلالت نداشتن آن بر حرمت روشتر است؛ زیرا پرواضح است خیر نبودن در چیزی اعم است از حرام بودن و کراهت. از این رو حدیث حمل بر کراهت می شود. محقق شیرازی پس از نقد و بررسی این روایت در پایان آن را حمل بر کراهت می کند.^{۵۶}

۵. روایت ابوریع :

روایت دیگری که بدان بر حرمت بازی با شطرنج - هر چند بدون برد و باخت - استدلال شده روایت ابو ربیع شامی از امام صادق - علیه السلام - است :

قال : سئل عن الشطرنج والنرد . فقال : لا تقربوهما . ۵۷

ابوریع می گوید : از امام صادق - علیه السلام - درباره شطرنج و نرد پرسیده شد . حضرت فرمود : نزدیک آن دو نشوید .

تقریب استدلال از این قرار است که نهی از نزدیک شدن اطلاق دارد و هر گونه بازی با آن را فرامی گیرد.

نقد و بررسی

به این استدلال ، اشکالاتی را می توان مطرح کرد :

اولاً ؛ « لا تقربوا » در اینجا کنایه از ترك چیزی است که در آن زمان متعارف بوده و بی گمان متعارف در آن روزگار بازی با شطرنج با برد و باخت بوده است . بنابراین بازی بدون برد و باخت را فراگیر نیست .

۵۶. آیه الله محمد تقی شیرازی ، حاشیه مکاسب ، ص ۱۲۲ .

۵۷. وسائل الشیعه ، ج ۱۲ ، باب ۱۰۲ از ابواب مایکتسب به ، ۱۰ ، ص ۲۳۹ .



از سوی دیگر جمله «لا تقربوهما» پاسخ به پرسش است نمی تواند نسبت به غیر مورد سؤال اطلاق و عموم داشته باشد؛ زیرا امام - علیه السلام - در مقام بیان پاسخ به پرسش است نه بیشتر و سؤال از حکم بازی با شطرنج و نرد در آن زمان است که - اگر نگویم همیشه - دست کم بیشتر اوقات برای بازی برد و باخت استفاده می شده است.

ثانیاً؛ در سند روایت احمد بن محمد بن عیسی واقع شده که میان موثق و مجهول مشترك است اگر او از مشایخ شیخ صدوق باشد مجهول است در نتیجه سند روایت قابل اعتماد نیست.

۶. روایات ناهی از قمار:

از جمله ادله حرمت بازی با آلات مخصوص قمار - از جمله شطرنج هر چند همراه با برد و باخت نباشد - روایات فراوانی است که از عنوان قمار و میسر نهی کرده. برخی از این روایات مانند روایت پیشین ابو جارود در تفسیر میسر که عبارت «کل قمار میسر» در آن بود. مرحوم شیخ حر عاملی بابتی را در وسایل الشیعه با عنوان «باب تحریم کسب القمار حتی الکعب و العجوز و البیض و ان کان الفاعل غیر مکلف و تحریم فعل القمار» منعقد کرده و در آن چهارده روایت نقل کرده است.^{۵۸} از جمله روایت زیاد بن عیسی:

سألت أبا عبد الله - عليه السلام - عن قوله - عز وجل -: «ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل»^{۵۹} فقال: كانت قریش یقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم الله عن ذلك.^{۶۰}

زیاد بن عیسی از امام صادق - علیه السلام - از تفسیر فرمایش خداوند که می گوید: «مالهایتان را میان خودتان به باطل نخورید» پرسیدم. حضرت فرمود: قریش با زنان و اموالشان قمار می کردند و خداوند آنها را از این کار منع کرد.

۵۸. همان، ج ۱۲، باب ۳۵ از ابواب مایکتسب به، ص ۱۱۹.

۵۹. بقره/ ۱۸۸.

۶۰. وسایل الشیعه، ج ۱۲، باب ۳۵ از ابواب مایکتسب به، ۱، ص ۱۱۹.

روایات دیگری نیز به همین مضمون وارد شده است چگونگی دلالت به این گونه است که نهی از قمار اطلاق دارد؛ چه در آن برد و باختی باشد و چه در آن برد و باختی نباشد. بنابراین بازی با شطرنج به خاطر قمار بودن حرام است؛ هر چند در آن برد و باخت نباشد. در واقع این روایات منبع مبنای سوم در حرمت بازی با شطرنج است.

نقد و بررسی

برخی از این روایات هر چند از جهت سند تمام نیستند؛ لیکن در میان آنها روایت قابل اعتماد وجود دارد.

از این رو از بحث سندی خودداری می شود اما از نظر دلالت اشکالاتی قابل تصور است:

اولاً؛ گذشت که صدق عنوان قمار از نظر لغت شناسان متقدم به برد و باخت است و در اصطلاح فقها نیز مفهوم قمار بدون برد و باخت صادق نیست. بنابراین بازی با شطرنج بدون برد و باخت در لغت و اصطلاح قمار نیست تا مشمول اطلاقات و عمومات نهی از قمار باشد.

ثانیاً؛ بر فرض پذیریم عنوان قمار در روایات اعم است و موارد بازی بدون برد و باخت را نیز فراگیرد؛ در این صورت ممکن است گفته شود: پرسش از موارد متداول قمار در آن روزگار بوده و آن قمار است که همراه با برد و باخت باشد؛ هر چند بپذیریم بازی بدون برد و باخت نیز کم نبوده. بنابراین قمار در این روایات ناظر به موارد متعارف آن عصر است و نسبت به بازی بدون برد و باخت اطلاق ندارند.

شاهد این مدعا برخی روایات است که قمار با شطرنج را از گناهان کبیره می شمارد و تعبیراتی در آنها به کار رفته که با قمار همراه برد و باخت می سازد. از باب نمونه ابن ادریس در متطرفات نقل می کند:

عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: بيع الشطرنج حرام و اكل ثمنه سحت و اتخاذها كفر واللعب بها شرك و السلام على الالهى بها معصية و كبرى موبقة



مبنای قهفی بازی با شطرنج

والخائف فيها يده كالحائف يده في لحم الخنزير لاصلاة له حتى يغسل يده كما يغسلها من مس لحم الخنزير و الناظر إليها كالناظر في فرج أمه واللاهي...^{٦١}

فروش شطرنج حرام و خوردن از پول آن پلیدی و گرفتن آن کفر و بازی با آن شرك و سلام کردن بر بازی کننده آن گناه کبیره همراه با عذاب است و دراز کردن دست به سوی آن مانند دراز کردن دست به گوشت خنزیر است. نماز برای او نیست تا این که دستش را بشوید همان گونه که مس کننده گوشت خوک دستش را می شوید. نگاه کردن به آن مانند نگاه کردن به عورت مادر است.

پرواضح است این تعابیر جز با قمار و شطرنجی که با آن از روی برد و باخت بازی می شود نمی سازد مؤید آن^{٦٢} روایت زیاد بن عیسی است که حضرت می فرماید: «قریش بر سر اهل و عیال و ناموسشان قمار می کردند.»

از این رو شطرنج و قمار مورد سؤال در این گونه روایات بر شطرنج و قمار حمل می شود که همراه با برد و باخت باشد.

بارد این استدلال مبنای سوم که بازی با شطرنج بدون برد و باخت را حرام می دانند -از آن جهت که در مفهوم قمار برد و باخت را شرط نمی دانند- رد می شود.



۳۳۸

۷. روایات نهی کننده از بازی با شطرنج:

برخی از بزرگان بازی با وسایل مخصوص قمار را -هر چند همراه با برد و باخت نباشد از جمله شطرنج- از آن جهت حرام می دانند که تعدادی روایت از بازی با آنها نهی می کنند. آیه الله خویی می نویسد:

والتحقیق ان يستدل على الحرمة بالمطلقات الكثيرة الناهية عن اللعب بالنرد والشطرنج وبكل مايكون معداً للتقامر فإنه لا شبهة ان اللعب بالامور المذكورة

٦١. همان، ج ١٢، باب ١٠٣ از ابواب مايكتسب به، ٤، ص ٢٢٠.

٦٢. همان، ج ١٢، باب ٣٥، ١، ص ١١٩.

یعم بماکان مع المراهنة أو بدونها. ۶۳

مقتضای تحقیق عبارت است از استدلال بر حرمت، با اطلاق روایات فراوانی که از بازی با نرد و شطرنج و هر وسیله ای که برای قمار تهیه شده نهی می کنند؛ زیرا بی گمان بازی با برد و باخت و بدون برد و باخت را در بر می گیرد.

نقد و بررسی

ممکن است بر این استدلال نیز اشکالاتی وارد گردد؛ زیرا هر چند روایات معتبری مانند معتبره سکونی^{۶۴} که برخی از بزرگان و اساتید حوزه در نامه ای که به حضرت امام نوشته اند به آن برای حرمت بازی با شطرنج تمسک جسته اند.

اولاً؛ همان گونه که پیش از این گذشت دور نیست گفته شود این اطلاقات ناظر به بازیهای متعارف و متداول است و بی گمان متعارف و متداول در آن زمان، بازی با برد و باخت بوده. حتی بر اساس برخی از روایات^{۶۵} برد و باخت بر سر اهل و عیال و ناموس بوده است. شاهد این ادعا تعبیراتی است که در روایات بر قمار به ویژه شطرنج وارد شده مانند این که سلام بر بازی کننده شطرنج معصیت کبیره موبقه است - که پیش از این گذشت - آیا چنین نهی شدید جز با بازی شطرنج از روی برد و باخت بر سر ناموس سازگار است؟ آیا ممکن است تعبیر «من جلس على اللعب بها (شطرنج) فقد تبوء مقعده في النار» جز با بازی از روی برد و باخت حکیمانه است؟

آیا به کار بردن تعبیر «دعوا المجوسية لأهلها لعنهما الله»^{۶۶} و سیله مجوسیه را برای

۶۳. مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۷۳.

۶۴. آیه الله قدیری در نامه ای که به حضرت امام نوشته اند به این روایت استدلال کرده اند. مجله پاسدار اسلام، شماره ۸۳.

۶۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۳۵، ۱، ص ۱۱۹.

۶۶. همان باب ۱۰۲، ۷، ص ۲۳۸.



اهلش رها کنید خدا آنها را لعنت کند. نسبت شطرنج و بازی با آن جز با برد و باخت سازگار است؟ این گونه نهی های شدید در روایاتی است که این بزرگان به اطلاق آنها بر حرمت هرگونه بازی با شطرنج استدلال می فرمایند. بنابراین می توان گفت این مطالب مانع از انعقاد اطلاق این روایات ناهی از بازی با آلات قمار است.

آنچه گفته شد ادعای انصراف روایات از بازی بدون برد و باخت نیست تا پاسخ داده شود که بازی بدون برد و باخت نیز فراوان است؛ بلکه مدعا، عدم انعقاد اطلاق نسبت به بازی با شطرنج بدون برد و باخت است.

بنابراین مبنای دوم در حرمت بازی با شطرنج نیز نمی تواند صحیح باشد.

ج- اجماع

از جمله ادله ای که ممکن است بر حرمت بازی با شطرنج - هر چند بدون برد و باخت - استدلال گردد اجماع است. صاحب جواهر در شرح کلام محقق حلی - که قمار را از جمله کسبهای حرام می شمارد - می نویسد:

بلاخلاف آنچه فیه بل الإجماع بقسمیه علیه. ۶۷

خلافی در حرمت قمار نیافتیم؛ بلکه اجماع منقول و محصل بر آن وجود دارد.

ادعای اجماع از سوی صاحب جواهر در خصوص شطرنج نیست؛ زیرا خود صاحب جواهر پس از این عبارت می نگارد: فرقی میان شطرنج و غیر شطرنج نیست. ولی در هر صورت حرمت بازی با شطرنج مصداق اکمل خواهد بود.

نقد و بررسی

هر چند در اصل اجماع بر حرمت قمار جای تردید نیست لیکن نمی تواند دلیل بر

حرمت بازی با شطرنج باشد؛ زیرا:

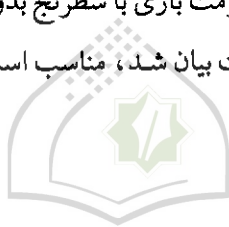
اولاً؛ این اجماع قطعاً مدرکی است؛ زیرا آیات و روایات فراوان در این باره رسیده. پس کاشف از قول معصوم نیست.

ثانیاً؛ اجماع دلیل لبی است و قدر متیقن آن قمار و بازی ای است که همراه با برد و باخت باشد.

ادله جواز

با نقد و بررسی ادله ای که بر حرمت بازی با شطرنج استدلال شده و یا ممکن است استدلال گردد و با ارزیابی مبانی مختلف در حرمت بازی با شطرنج و اشکالات آنها این نتیجه حاصل می گردد که دلیلی بر حرمت بازی با شطرنج بدون برد و باخت وجود ندارد.

گذشته از آنچه در رد ادله حرمت بیان شد، مناسب است به برخی از ادله حلیت بازی با شطرنج اشاره کنیم:



الف- تغییر موضوع (کاربرد)

مبنای بیشتر فقها بلکه مشهور که فتوا به حرمت بازی با شطرنج - هر چند بدون برد و باخت - داده اند آلت قمار بودن شطرنج است. این مطلب در مبحث پیشینه مسأله به تفصیل بررسی شد. بنابراین چنانچه احراز گردد در زمان حاضر شطرنج وسیله قمار نیست بلکه وسیله ای است جهت رشد فکری، حرام نخواهد بود. از جمله فقیهانی که بر اساس این فرض فتوا به حلیت داده حضرت امام خمینی است. وی در پاسخ پرسشی که فرض کرده شطرنج امروزه وسیله قمار نیست فتوا به حلیت آن داده است. متن سؤال و جواب حضرت امام پیش از این در مبحث مبانی فقهی شطرنج گذشت این فتوا از ایشان در حالی صادر شده که در مکاسب محرمه بازی با ابزار ویژه قمار را حرام می داند.

واضح است احراز خروج شطرنج از وسیله قمار بودن، موضوعی است که تشخیص آن مربوط به مکلف است و حضرت امام بر فرض پرسش و به عنوان قضیه شرطیه پاسخ داده است.



باصصل عملی

پس از بررسی ادله لفظی چنانچه نسبت به اشکالاتی که بر ادله حرمت وارد شد خدشه شود و شک و تردید را در پی داشته باشد نوبت به اصل عملی می رسد و مقتضای برائت، حلیت بازی با شطرنج بدون برد و باخت است. البته بر مبنای کسانی که مانند حضرت امام بازی با آلات قمار را مطلقاً حرام می دانند اگر شک شود شطرنج از آلت قمار بودن خارج شده یا نه مقتضای استصحاب وسیله قمار بودن شطرنج است در نتیجه بازی با آن حرام خواهد بود.

دیدگاه اهل سنت

جهت تکمیل بحث، نگاه اجمالی به فتاوی فقهای اهل سنت سودمند خواهد بود. جهت پرهیز از اطاله مقال، به آنچه عبدالرحمن جزیری در این باره آورده است بسنده می کنیم:

مکتب فقهی شافعی مسابقات بدون برد و باخت از جمله بازی با شطرنج را جایز می داند. جزیری در این باره می نویسد:

الشافعية قالوا: يجوز المسابقة بغير عوض ... إذ القاعدة عند الشافعية جواز المسابقة بكل نافع في الحرب ... ولعب الشطرنج والكرة وحمل الانتقال والمشاكة بالأصابع فكل هذا يحل بدون عوض.^{۶۸}

فقهای مکتب شافعی گفته اند: مسابقه بدون برد و باخت جایز است ... زیرا قاعده کلی در نظر آنان جواز مسابقه با هر چیزی است که در جنگ سودمند باشد ... و بازی با شطرنج، فوتبال، وزنه برداری و دست انداختن بدون برد و باخت جایز است.

مکتب فقهی حنفیه همانند شافعیه هر نوع مسابقه را بدون برد و باخت جایز می داند مگر شطرنج او می نویسد:

۶۸. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۵۱، دار احیاء التراث العربی.



الحنفية قالوا: تحل المسابقة بدون عوض في كل ماذكر عند الشافعية إلا

الشطرنج فإنه حرام عندهم لأنه يشغل صاحبه بالإنكباب عليه. ٦٩

عالمان فقه حنفی می گویند: مسابقه بدون برد و باخت در تمام آنچه مکتب

شافعی روا می داند جایز است؛ مگر شطرنج که مسابقه با آن حرام است؛

زیرا شطرنج انسان را حریص (معتاد) به آن می کند.

مکتب فقهی حنابلّه بازی با شطرنج را مکروه دانسته اند با این که مسابقه بدون رهن را

جایز می دانند. او می نویسد:

ويكره الرقص ومجالس الشعر وكل ما يسمى لعباً كاللعب بالطاب والقلية

والنرد والشطرنج. ٧٠

رقص و شرکت در مجالس شعرخوانی و آنچه بازی نامیده می شود مکروه

است مانند بازی با طاب و نقلیه و نرد و شطرنج.

مکتب فقهی مالکی مسابقات را مشروط به عدم برد و باخت و این که موجب تقویت

بدن گردد جایز شمرده اند و بازی با شطرنج بدون برد و باخت را نیز حرام شمرده است. او

می نویسد:

ويحرم اللعب بالنرد والشطرنج ولو بغير عوض. ٧١

بازی با نرد و شطرنج هر چند بدون برد و باخت حرام است.



مبانی فقهی بازی با شطرنج

٦٩. همان مدرک، ص ٥٢.

٧٠. همان مدرک.

٧١. همان مدرک، ص ٥١.